



دوماهنامه علمی- پژوهشی

دوره ۸، شماره ۷ (پیاپی ۴۲)، ویژه‌نامه زمستان ۱۳۹۶، صص ۹۱-۱۱۶

ویژگی‌های گفتاری متهمان به سرقت در محاکم قضایی

حسین رضویان^{۱*}، مریم جلیلی دوآب^۲

۱. استادیار زبان‌شناسی دانشگاه سمنان، سمنان، ایران

۲. کارشناس ارشد زبان‌شناسی دانشگاه سمنان، سمنان، ایران

پذیرش: ۹۶/۳/۲۴

دریافت: ۹۵/۱۲/۲۴

چکیده

زبان‌شناسی حقوقی شاخه‌ای جدید و میان‌رشته‌ای از زبان‌شناسی کاربردی و حقوق است که با استفاده از ابزارهای زبانی و شواهد زبان‌شناختی، به تجزیه و تحلیل متون گفتاری و نوشتاری حقوقی می‌پردازد و در کشف جرم کمک می‌کند. هدف این مقاله به‌دست آوردن ویژگی‌های گفتاری مجرمان سرقت در ارائه‌گفتار منحصربه‌فرد سارقان در تشخیص جرم است. نگارندگان با تحلیل زبان‌شناختی دفاعیات چهار مجرم پرونده سرقت در دادگستری استان سمنان، سعی دارند گفتار این متهمان را از منظر زبان‌شناسی حقوقی توصیف و تبیین کنند. نتایج پژوهش بیانگر آن است که متهمان به سرقت با به‌کارگیری بسیاری از اصول زبانی، از قبیل وجهیت بالا، حذف کنشگر، پاره‌گفتار نابجا و کنش غیرمستقیم سعی می‌کنند اعتماد بازجوها را جلب نمایند و از خود رفع اتهام کنند. بررسی جزئیات پرونده‌ها نشان می‌دهد که متهمان در دفاعیات خود، به میزان متفاوتی از اصول زبان‌شناختی استفاده می‌کنند. به‌طور مشخص، آن‌ها در گفتار خود ۲۹ درصد کاربرد وجهیت، ۱۶ درصد تناقض، ۱۴ درصد حذف کنشگر، ۱۰ درصد پیش‌فرض، ۳ درصد کنش‌های گفتاری، یک درصد تلویح و ۰/۵ درصد ساخت میانه به‌کار برده‌اند. همچنین نتایج حاکی از این است که توجه به ویژگی‌ها و ظرافت‌های زبانی همانند وجهیت پایین، تناقض در گفتار، حذف کنشگر، پیش‌فرض، تلویح، ساخت میانه و اصول همکاری گرایس در گفتار متهمان به سرقت می‌تواند در کشف جرم به بازجوها و قضات کمک شایانی کند.

واژگان کلیدی: زبان‌شناسی حقوقی، جرم، سرقت، بازجویی، متهم.

۱. مقدمه

زبان‌شناسی حقوقی^۱ کاربرد زبان در حقوق است و می‌تواند با به‌کارگیری ابزارهای زبان‌شناختی در تحلیل و تشخیص جرائم زبانی به پلیس کمک کند. تحلیل در حوزه زبان‌شناسی حقوقی به چهارچوب خاصی نیاز ندارد و تنها با توجه به نوع جرم می‌توان از ابعاد مختلف زبان‌شناسی کمک گرفت. نکته مهم آن است که بدانیم چگونه جرم زبانی را با استفاده از ابزارهای زبان‌شناختی می‌توان اثبات کرد و زبان‌شناس در تعامل بین پلیس، دادگاه و تعقیب کیفری چه نقشی می‌تواند ایفا کند. در کلانتری‌ها و مراجع قضایی، برای اثبات جرم و نتیجه‌گیری قرار مجرم بودن، توجه زیادی به گفته‌های متهم نمی‌کنند و بر اساس شواهد و مدارک غیرزبانی، درباره مجرم بودن و یا نبودن متهم نتیجه‌گیری می‌کنند. در این میان، این روند بسیار زمان‌بر است و چه‌بسا همیشه شاهد و مدرکی برای اثبات جرم وجود نداشته باشد و این مسئله باعث تبریئة متهم و حتی گستاخی او برای انجام جرم‌های بعدی شود. اگر از بُعد زبان‌شناسی به گفته‌های مجرمان نگاهی بیندازیم، متوجه خواهیم شد که برای تشخیص جرم ابزارهایی در سخنان آن‌ها وجود دارد که می‌تواند راه سریع و آسانی برای مجرم شناختن متهم باشد. به‌نظر نگارندگان، ابزارهای زبانی زیادی وجود دارد که به کمک آن، می‌توان ویژگی‌های گفتاری متهمان به سرقت را تشخیص داد. با توجه به جدید بودن رویکرد زبان‌شناسی حقوقی و با عنایت به اینکه در این زمینه کار چندانی انجام نگرفته است، نگارندگان قصد دارند از این منظر ویژگی‌های گفتاری متهمان به سرقت را بررسی کنند.

داده‌های پژوهش بازجویی‌های نیروی انتظامی، داسرا و دادگاه از چهار پرونده سرقت در شهرستان سمنان است که هفت متهم دارد. هدف نگارندگان شناسایی ویژگی‌های زبانی متهمان به سرقت است که می‌تواند یاری‌رسان عموم مردم و مراجع قضایی در شناخت این افراد باشد. لازم به توضیح است که به‌لحاظ حقوقی، تنها دلیل محکومیت متهم، شکایت شاکیان، شهادت شاهدان ماجرا، سابقه متهم، تکرار جرم و غیره برای قاضی کفایت می‌کند تا قرار حکم را صادر کند؛ بنابراین، نگارندگان در چند محور به ویژگی‌های زبانی دفاع متهمان در محیط قضایی می‌پردازند. ویژگی‌های زبانی دفاع متهم در نیروی انتظامی، داسرا و دادگاه، بعد دیگری از شواهد در جهت شناسایی مجرم است.

۲. پیشینه پژوهش

زبان‌شناسی حقوقی به تعامل بین زبان و قانون می‌پردازد. مواردی از قبیل بررسی نامه‌های تهدیدآمیز، شناسایی مؤلف واقعی در سرقت‌های ادبی و شناسایی مجرم در جرائم اینترنتی نیازمند تحلیل جدی و زبان‌شناختی از سوی زبان‌شناس است (Toolan, 2009: 5). این شاخه نوین علمی با مقاله آقاگل‌زاده (۱۳۸۴) در ایران معرفی شد. به همت وی، کتاب *زبان‌شناسی حقوقی ۱۳۹۱ (نظری و کاربردی)* ویراست دوم منتشر شد و تاکنون دو همایش گفتمان حقوقی در سال‌های ۱۳۹۲ و ۱۳۹۴ برگزار شده است. در این ده سال، بیش از ۲۰ پایان‌نامه و رساله و ۴۰ مقاله در بخش‌های مختلف زبان‌شناسی حقوقی تألیف شده که برخی از مهم‌ترین و مرتبط‌ترین آن‌ها با پژوهش حاضر به این شرح است:

صفی (۱۳۸۶) به ویژگی‌های کلامی جمل‌های زنان و مردان از منظر زبان‌شناسی حقوقی می‌پردازد. وی با مقایسه دو گروه جنسی زن و مرد از نظر تنوع و بسامد تکرار واژه‌های حقوقی، جملات پرسشی و جملات تحکم‌آمیز نتیجه می‌گیرد که میانگین تنوع واژه‌ها و اصطلاحات حقوقی و همچنین میانگین بسامد جملات پرسشی و تحکم‌آمیز به‌کاررفته از سوی مردان بیشتر از زنان است؛ اما میانگین بسامد تکرار واژه‌ها و اصطلاحات حقوقی به‌کاررفته از سوی زنان بیشتر از مردان است.

زائری و دیگران (۱۳۹۶) درباره کاربرد دانش و راهبردهای کاربردشناسی زبان در گفتمان حقوقی، جهت بررسی انواع شیوه‌های اقناع وکلا در دادگاه‌های کیفری ایران و متقاعد نمودن قضات با روش میدانی مطالعه کرده‌اند. داده‌های پژوهش از ۲۰ جلسه علنی دادگاه شیراز جمع‌آوری شده که در مجموع ۲۱۱۲ جمله است. از این میان، ۶۵۴ جمله به وکلای مدافع تعلق دارد و ۳۵۱ جمله متعلق به قضات است. این پژوهش با روش تحلیلی-توصیفی درصد پاسخ-گویی به این سؤال است که چگونه کنشگران از دانش زبان‌شناختی (نحو، معناشناسی، کاربردشناسی و غیره) و فرازبانی برای دستیابی به هدف اقناع یکدیگر بهره می‌گیرند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که وکلا از شیوه‌های زبانی، تبصره‌های قانونی و از راهبردهای کاربردشناسی، حذف، اظهار، نام‌دهی، تأکید بر پشیمانی، انکار جرم متهم و همچنین شیوه‌های فرازبانی در گفتمان دادگاه در حوزه زبان‌شناسی حقوقی و برای اقناع قاضی استفاده می‌کنند. پژوهش‌های متعددی نیز در این زمینه در میان آثار پژوهشگران غیرایرانی وجود دارد که

در ادامه به معرفی برخی از آن‌ها می‌پردازیم:

هانگ و براداک^۲ (۱۹۹۳) به بررسی سبک گفتار شهادت‌دهندگان در دادگاه می‌پردازند. هدف آن‌ها رسیدن به جواب این سؤال است که آیا سبک گفتار ضعیف اثربخشی کلام را کاهش می‌دهد. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که شهادت‌دهندگان مرد و زن هر دو مجذوب افرادی (اعم از زن و مرد) می‌شوند که از سبک گفتاری قوی استفاده می‌کنند. آنان متغیرهایی نظیر استاندارد بودن، تنوع واژگانی، سرعت کلام، شدت زبانی و جنسیت را نشانه‌های سبک کلامی قوی می‌دانند و در مقابل، متغیرهای غیراستاندارد بودن، سؤال ضمیمه‌ای، طفره‌روی در جواب، استفاده از عبارات تشدیدکننده و تردیدآمیز، عبارات ارجاعی و صورت‌های مؤدبانه را نشانه‌های سبک کلامی ضعیف می‌دانند که حاکی از افراد طبقه اجتماعی پایین است.

شای^۳ (۲۰۱۴) در کتاب خود، به وصف پانزده مورد از دادگاه‌هایی پرداخته که در آن‌ها به‌عنوان شاهد و متخصص زبانی حضور داشته است. او توضیح می‌دهد که چگونه اصطلاحات مبهم حقوقی را می‌توان از طریق تجزیه و تحلیل زبان مظنونان، متهمان، مأموران اجرای قانون و وکلا واضح کرد.

۳. مبانی نظری

در این بخش قبل از بررسی و تحلیل گفتار سارقان لازم است برخی مفاهیم و اصطلاحات حقوقی و زبان‌شناسی معرفی شود.

۳-۱. پیش‌فرض

براون و یول^۴ (1983: 29) پیش‌فرض^۵ را چنین تعریف می‌کنند: «پیش‌فرض‌ها مواردی هستند که از سوی گوینده، جزء زمینه‌های مشترک شرکت‌کنندگان در مکالمه محسوب می‌شوند»؛ به سخن دیگر، «فرض‌گوینده این است که شنونده برخی اطلاعات را از قبل می‌داند و از آنجایی که چنین اطلاعاتی دانسته انگاشته می‌شوند، عموماً به زبان نمی‌آیند و در نتیجه در شمار اطلاعات انتقال‌یافته، اما اظهارنشده محسوب می‌شوند».

عزیزی و مؤمنی (۱۳۹۱: ۲۶۷) معتقدند پیش‌فرض یکی از ابزارهای مورد استفاده پلیس در

بازجویی است. به مکالمه زیر- که مستقیماً از همان منبع اتخاذ شده است- توجه کنید.
بازجو: دیروز که با علی (مقتول) بیرون بودی، دقیقاً چه ساعتی برگشتی کارگاه؟
متهم: ساعت چهار.

آن دو بیان می‌کنند که «شاید اصلاً متهم با مقتول بیرون نبوده باشد، اما به لحاظ تحلیل گفتمان، عمده افراد به بخشی از پیام توجه دارند که حاوی پرسش یا اطلاع است» (همان‌جا). جمله افسر بازجو نیز این گونه است، او انتهای جمله پرسشی مطرح می‌کند که متهم باید پاسخ دهد؛ ولی این پرسش دارای پیش‌فرض ابتدای جمله است، یعنی اینکه متهم با مقتول بیرون کارگاه بوده و احتمالاً فرصت ارتکاب قتل را داشته است.
یول (29- 27: 1996) شش نوع پیش‌فرض را به شرح زیر بیان می‌کند:

۳-۱-۱. پیش‌فرض واقعیت‌پذیر

در پیش‌فرض واقعیت‌پذیر^۱، کاربرد عبارتی خاص به این صورت تلقی می‌شود که گوینده صحت اطلاعاتی را که بیان می‌شود، از قبل مفروض می‌داند. برای نمونه افعالی همچون دانستن، فهمیدن، متأسف بودن و نیز عباراتی که شامل فعل بودن به همراه صفات آگاه، عجیب، خوشحال و غیره است.

۳-۱-۲. پیش‌فرض واقعیت‌ناپذیر

پیش‌فرض واقعیت‌ناپذیر^۲ پیش‌فرضی است که نادرست بودن آن مفروض است. افعالی مانند خواب دیدن، خیال کردن و وانمود کردن این پیش‌فرض را دارند که آنچه پس از آن‌ها می‌آید، نادرست است.

۳-۱-۳. پیش‌فرض واژگانی

در پیش‌فرض واژگانی^۳، تعبیر متعارف یک صورت (واژه) بر اساس معنی بیان‌شده (لفظ) و معنی بیان‌نشده (از پیش‌فرض) آن صورت می‌پذیرد. به‌طور مثال اگر بگوییم کسی «از عهده» کاری برآمد، معنی بیان‌شده آن این است که شخص به‌نحوی موفق به انجام کار شده است و

هنگامی که می‌گوییم کسی «از عهده برنیامد»، معنی بیان‌شده این است که شخص موفق به انجام آن کار نشده است؛ اما در هر دو مورد، یک پیش‌فرض مشترک (معنی بیان‌نشده) وجود دارد که «شخص در انجام آن کار کوشید»؛ بنابراین بر اساس عرف زبانی، «موفق شد» معنی بیان‌شده و «تلاش کرد» معنی بیان‌نشده عبارت «از عهده برآمد» است. در پیش‌فرض واژگانی، هنگامی که گوینده عبارتی خاص را به کار می‌برد، چنین تعبیر می‌شود که این عبارت حاوی معنی ناگفته دیگری است.

۳-۱-۴. پیش‌فرض خلاف واقع

پیش‌فرض خلاف واقع^۹ آن است که نه تنها درست نیست، بلکه خلاف واقعیت یا «مغایر واقعیت» است. ساختار شرطی در جمله «اگر دوستم بودی، به من کمک کرده بودی»، شرطی خلاف واقع نامیده می‌شود و این پیش‌فرض را می‌رساند که اطلاعات بند شرطی هنگام ادای پاره‌گفتار صحت ندارد.

دو نوع پیش‌فرض دیگر، وجودی و ساختاری، هم وجود دارد که از ذکر آن‌ها به دلیل عدم کاربرد در گفتار متهمان به سرقت خودداری می‌کنیم.

۳-۲. وجهیت

از نظر وردونک^{۱۰} (39: 2002)، «وجهیت»^{۱۱} ابزاری زبانی برای گوینده فراهم می‌کند تا میزان تعهد خود را به واقعیت یا صحت آنچه به زبان می‌آورد، بیان کند و اثر سخنان خویش را بر افرادی که مخاطب او هستند، تعدیل سازد. سیمپسون (202: 1997) می‌گوید: «وجهیت نگرش یا نظر گوینده یا نویسنده در مورد صحت جملاتی است که بیان می‌کند». فاولر^{۱۲} (167: 1996) معتقد است صورت‌های وجهی از بخش نسبتاً به‌خصوصی از واژگان انتخاب می‌شوند و به راحتی قابل تشخیص‌اند. انواع صورت‌های وجهی عبارت‌اند از:

۱. فعل‌های کمکی وجهی: خواهد، باید و غیره. در این دسته از فعل‌ها، هر چه درجه ضرورت و الزام بیشتر باشد، بیانگر قضاوت نویسنده و صحه گذاشتن او بر اطمینان از واقعیت داشتن مسائل است.

۲. قیدهای وجهی یا قیدهای جمله: شاید، فرضاً، احتمالاً، که گفته می‌شود و غیره.

۳. صفات و قیود ارزیابی: لزوماً، با کمال تأسف، معمولاً و غیره.

هلیدی^{۱۳} (332-339: 1994) معتقد است قیدهای ارزشیابی مانند اصلاً، همه، همان، تمام، تمامی، در کل، کلاً، واقعاً، دقیقاً، اکثراً، هیچ چیز، هیچ کدام، هیچ گونه، همه چیز، هر کدام، به هیچ عنوان، کلیه، فقط، تنها، به محض، تاکنون، کاملاً، همیشه، حتماً و هرگز درجه تقارن و بسامد بالایی دارند. این قیدها قیود متقارن نامیده می‌شوند و بیانگر قطعیت و اطمینان بیشتری هستند.

وی همچنین معتقد است این متغیرهای زبانی عدم قطعیت و اطمینان کمتر را نشان می‌دهند:

۱. افعال وجهی شناختی: این افعال بیانگر عدم شناخت کامل و تردید هستند، مانند خیال کردن، فکر کردن، به نظر رسیدن و غیره.

۲. قیدهای درجه‌بندی: قیدهایی که تقارن و بسامد پایین‌تری دارند، مانند بعضی وقت‌ها، گاه‌گاهی، حدوداً، اغلب، اتفاقاً، تقریباً، شاید و غیره.

۳. وجوه شرطی، التزامی و امری (Ibid).

۳-۳. تناقض

تناقض^{۱۴} رابطه‌ای معنایی است که به رابطه تضاد بین دو گزاره می‌پردازد. اگر دو گزاره هم‌زمان نتوانند در شرایط یکسان صادق باشند، با هم تناقض دارند (Hurford et al., 2007: 126).

۳-۴. حذف کنشگر

ون لیوون^{۱۵} (۲۰۰۸) انگاره‌ای پیشنهادی برای بازنمایی کنشگران اجتماعی^{۱۶} دارد. الگوی وی زیرمجموعه‌ها و دسته‌بندی‌های زیادی دارد که در آن به جای اصطلاح مشارکین گفتمان^{۱۷}، از عبارت «کنشگران اجتماعی» استفاده می‌کند. الگوی ون لیوون در سطح نخست، به دو مؤلفه حذف^{۱۸} و اظهار^{۱۹} تقسیم می‌شود. منظور از حذف کنشگر^{۲۰} در گفتمان، فرایندی است که در آن کنشگر اجتماعی از گفتمان حذف و به دو زیربخش پنهان‌سازی و کم‌رنگ‌سازی^{۲۱} تقسیم می‌شود. در فرایند پنهان‌سازی، با حذف کامل کنشگران اجتماعی و فعالیت‌های آن‌ها روبه‌رو هستیم که ون لیوون (۲۰۰۸) آن را حذف افراطی^{۲۲} می‌نامد. اگرچه در کم‌رنگ‌سازی کنشگر

گفتمان حذف می‌شود، کنش‌ها و ردپایش در متن قابل بازیابی است و می‌توان به‌گونه‌ای تلویحی به حضور او پی برد.

۳-۵. کنش‌های گفتاری

آستین^{۲۳} (۱۹۷۵) معتقد است که هر پاره‌گفتاری نوعی کنش گفتاری^{۲۴} است و سه نوع کنش را مطرح می‌کند: کنش بیانی^{۲۵}، کنش غیربیانی^{۲۶} و کنش پس‌بیانی^{۲۷}.

۳-۵-۱. کنش بیانی

پاره‌گفتار نابجا^{۲۸}: از نظر سرل^{۲۹} (۱۹۶۹)، اظهارات گوینده را می‌توان به دو پاره‌گفتار کنشی^{۳۰} و قطعی^{۳۱} تقسیم نمود که این پاره‌گفتارها می‌توانند بجا^{۳۲} و نابجا باشند. برای مثال، همان گونه که اگر فردی توانایی انجام فعل وعده داده‌شده را نداشته باشد و با این حال بگوید «من قول می‌دهم که فلان کار را انجام دهم»، این وعده‌ای نابجاست اما کاذب نیست.

مثالی از گفتمان حقوقی:

ب: یعنی می‌خواهید بگویید که شما چاقو نداشته‌اید؟

م: قبول ندارم.

در اینجا بازجو از متهم می‌پرسد که «یعنی می‌خواهید بگویید که شما چاقو همراهتان نبوده و از این سلاح سرد استفاده نکرده‌اید»، وی پاسخ می‌دهد که «قبول ندارم». ملاحظه می‌کنید که متهم برای گریز از اتهام، از پاره‌گفتار بیانی نابجا و بی‌ربط استفاده می‌کند تا به‌زعم خود، افسر بازجوکننده را فریب دهد (بدخشان و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۱).

۳-۵-۲. کنش غیربیانی (غیرمستقیم)

در این رابطه «ارتباط بین ساختار جمله و کارکرد آن غیرمستقیم است» (یول، ۱۹۹۶: ۷۶). آستین (۱۹۷۵) معتقد است در سطح دوم از تقسیم‌بندی خود، گوینده واژه‌ها را برای افادهٔ بار معنایی خاصی به‌کار می‌گیرد.

نوع دیگری از کنش به نام کنش پس‌بیانی وجود دارد که از ذکر آن به‌دلیل عدم کاربرد در

گفتار متهمان به سرقت خودداری می‌نماییم.

۳-۶. تلویح

گرایس (۱۹۷۵) بین معنای تحت‌اللفظی گویندگان و معنای تلویحی تمایز قائل شد و برای نخستین بار عبارت تلویح^{۳۳} را مطرح کرد (به نقل از یول، ۱۹۹۶: ۵۹).
کلتارد و جانسون (2007: 27) تلویح را با مثال زیر این گونه بیان می‌کنند:

الف: فردا می‌ای بریم سینما؟

ب: امتحان دارم.

الف: باشه.

در اینجا تضمن و تلویح پاسخ ب این است: «می‌خواهم درس بخوانم و نمی‌توانم بیایم». گوینده ب از شنونده الف توقع دارد که بر اساس اطلاعات پیشین که فراتر از معنی کلمات است، تلویح موجود در بافت را دریابد.

تلویح بخش‌هایی از پیام هستند که رسانده می‌شوند، اما به زبان نمی‌آیند. تلویح نمونه برجسته‌ای از «افزونی پیام از کلام است». باید دانست که گویندگان با تلویح پیام را می‌رسانند و شنوندگان از طریق استنباط آن را درک می‌کنند. یول (1996: 40-43) تلویح را به دو دسته تقسیم می‌کند: ۱. تلویح مکالمه‌ای^{۳۴}، ۲. تلویح قراردادی. وی تلویح مکالمه‌ای را مبتنی بر اصول همکاری گرایس^{۳۵} می‌داند و تضمن‌های سنجه‌ای^{۳۶} را که معمولاً بر اساس مقیاس/ سنجه ارزشی^{۳۷} محاسبه می‌شوند، زیرمجموعه تلویح مکالمه‌ای عمومی می‌داند (Ibid). یول معتقد است خلاف تلویح مکالمه‌ای، تلویح‌های قراردادی مبتنی بر اصول همکاری یا راهبردها نیستند مانند تضمن‌های متعارف (Ibid:45).

۳-۶-۱. تضمن‌های متعارف

یول معتقد است تضمن‌های متعارف^{۳۸} لزوماً در بطن مکالمه رخ نمی‌دهند و تعبیرشان نیازمند بافت خاصی نیست. این گونه تضمن‌ها- که بی‌شباهت به پیش‌انگاشت‌های واژگانی نیستند- به کلمات خاصی ارتباط دارند که در صورت به‌کارگیری آن‌ها، معنای ضمنی حاصل می‌شود. این

واژه‌ها عبارت‌اند از اما، حتی و هنوز (*Ibid*).

۷-۳. ساخت میانه

در برخی زبان‌ها، علاوه بر شکل‌های مجهول و معلوم، حالتی میانی^{۳۹} هم وجود دارد. لوین^{۴۰} (1993: 26) ساخت میانه^{۴۱} را دارای عاملی می‌داند که درک می‌شود، اما بیان نمی‌شود و مفهوم است. سعید (2003: 171) معتقد است «صورت‌های میانه بر این نکته تأکید دارند که فاعل تحت تأثیر عملی قرار می‌گیرد که توسط فعل توصیف می‌شود». هگمن^{۴۲} (۱۹۹۴) و سعید (2003: 170-173) انواع این تأثیرپذیری را چنین طبقه‌بندی می‌کنند:

الف. فعل‌های لازم غیرارادی یا خنثی^{۴۳}: فاعل این فعل‌ها تحت تأثیر فرایند یا تغییر حالت غیرارادی قرار می‌گیرد؛ مانند: «جنگل سوخت». در این صیغه، علت بیرونی بیان نمی‌شود؛ اما در شکل معلوم مربوط، اغلب نشان داده می‌شود.

ب. فعل‌های فعالیت بدنی و احساسات^{۴۴}: در برخی زبان‌ها، فعل زمانی به صورت میانی به-کار می‌رود که فعالیت مستلزم تأثیر بر بدن یا احساسات فاعل باشد؛ مانند: ترسیدن، خوشحال شدن و غیره.

۱. اگر سحر را دوباره ببینم، خیلی خوشحال خواهم شد.

۲. مادرم هیچ وقت چراغ سوخته را تعویض نمی‌کند؛ چرا که می‌ترسد مثل گذشته برق اتصالی کند.

ج. فعل‌های بازتابی^{۴۵}: در برخی زبان‌ها، زمانی از شکل میانی استفاده می‌شود که کنش فاعل بر خود فاعل، متعلقات یا اجزای بدنش تأثیر بگذارد؛ مانند: sit down=s'asseoir در زبان فرانسه.

د. فعل‌های خودبهره‌وری^{۴۶}: در این فعل‌ها، کنش فاعل به نفع خودش انجام می‌شود؛ مانند جمله زیر در زبان سومالی.

Hari- oumai moiran

Take- 1sg-middle share= I take a share for myself

حالت میانی در زبان‌های مختلف، به شیوه‌های گوناگون نشان داده می‌شود: در زبان آلمانی با ضمیرهای انعکاسی، در زبان یونانی به واسطه تعریف فعل و در زبان انگلیسی

به‌صورت تناوب بین فعل معلوم متعدی و فعل میانی لازم.

در زبان فارسی، دسته‌ای از فعل‌های میانی وجود دارند که عبارت‌اند از ترسیدن، خوشحال شدن، شوک شدن و غیره. این افعال از نوع دوم، یعنی افعال فعالیت بدنی و احساسی هستند. در این نوع از افعال، خود فعل یا عملکرد آن بر بدن یا احساسات فاعل تأثیر می‌گذارد و البته عامل در آن‌ها حذف می‌شود.

نمونه‌ای از افعال میانی در بازجویی‌ها:

ب: چرا تبریز؟ مثلاً قزوین که بهتره!

م: آخه ما تبریزی هستیم، رفتم پیش پدرم.

ب: چرا؟

م: چون ترسیده بودم (فعل میانی).

ب: چی کار داشتی؟

م: اونجا کار داشتم (مؤمنی، ۱۳۹۱: ۱۸).

البته ویژگی‌های زبانی دیگری نیز همانند اصول همکاری گرایس، در گفتار متهمان قابل بررسی است که طرح آن جستار جداگانه‌ای می‌طلبد و به‌سبب محدودیت حجم مقاله، از بررسی آن صرف‌نظر کردیم.

۴. تحلیل داده‌ها

پیش از بررسی پرونده‌ها، ذکر چند نکته ضروری است:

۱. در متن بازجویی‌ها، هر جا که برای حفظ حقوق و هویت افراد از ذکر نام و مکان خودداری شده، علامت (...) به‌کار رفته است و توضیحات لازم برای رفع ابهام در پرانتز آمده است.
۲. متن بازجویی‌ها بدون دخل و تصرف عیناً نقل شده و تنها غلط‌های املایی، جا افتادن افعال اسنادی و علائم نگارشی تصحیح شده است.
۳. از ذکر نام مراجع قدرت و متهم جهت سهولت و یکسانی در نوشتار خودداری شده است. علامت اختصاری «ب»، «ق» و «م» به‌ترتیب به‌جای بازجو کننده (بازجو^{۴۷} یا بازپرس^{۴۸})، قاضی و متهم به‌کار رفته است.

۴-۱. خلاصه پرونده‌ها

پرونده اول: پسری ۲۲ ساله، بی‌سواد و اهل افغانستان متهم به سرقت لوازم ساختمان از ساختمانی نیمه‌کاره و در حال ساخت است. خلاصه اظهارات متهم و شکات در پرونده ۱۶ صفحه است.

پرونده دوم: در تاریخ ۸۸/۹/۲۲، دو فرد ۱۹ و ۲۰ ساله سوار بر موتورسیکلت اقدام به کیف‌چاپی از خانمی ۲۰ ساله در خیابان می‌کنند. خلاصه اظهارات متهم و شکات ۶۹ صفحه است.

پرونده سوم: در تاریخ ۹۲/۸/۶، دو برادر ۲۳ ساله با تحصیلات دیپلم اهل خرم‌آباد به همراه یکی از بستگان خود با تحصیلات لیسانس و ۲۸ ساله سوار بر خودرو در سمنان از چند خانه سرقت می‌کنند. خلاصه اظهارات متهم و شکات ۵۱ صفحه است.

پرونده چهارم: در تاریخ ۹۲/۱۲/۲۵، فردی ۴۰ ساله با تحصیلات دیپلم ساکن تهران دستگیر می‌شود که متهم به چند سرقت از منازل سمنان است. خلاصه اظهارات متهم و شکات ۴۲ صفحه است.

۴-۲. روش پژوهش

این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی صورت گرفته است و هدف آن توصیف و تبیین ویژگی‌های گفتاری متهمان به سرقت بر اساس اصول زبان‌شناختی از منظر زبان‌شناسی حقوقی است. با توجه به موضوع تحقیق، چهار پرونده سرقت از دادسراهای سمنان انتخاب شده است. این چهار پرونده به صورت کامل و سطر به سطر، از مراحل نخست بازجویی تا بازپرسی و دادگاه خوانده شده و موارد زبانی مشخص، استخراج و تحلیل شده‌اند.

۴-۳. ویژگی‌های گفتاری متهمان به سرقت

متهمان جرائم مختلف هنگام دفاع از خود، از ابزارهای زبانی متفاوتی استفاده می‌کنند و آن‌ها را به منظوری خاص به کار می‌برند. شناسایی ابزارهای به کار رفته از سوی متهمان جرائم مختلف به شناسایی سریع‌تر مجرمان کمک می‌کند.

۱-۳-۴. به‌کارگیری پیش‌فرض

به‌طور کلی متهمان پیکره پژوهش در گفتار خود در ۵۵ مورد از پیش‌فرض‌ها استفاده کرده‌اند که به شرح زیر است:

جدول ۱. میزان استفاده از پیش‌فرض‌ها در گفتار متهمان

Table 1. The extent of using presupposition at defendant's defenses

نوع	واقعیت‌پذیر	خلاف واقع	واقعیت‌ناپذیر	واژگانی
تعداد	۴۴	۴	۶	۱
درصد	۸۰	۷/۲۷	۱۰/۹۱	۱/۸۲

برای نمونه:

ب: چرا در ابتدا منکر سرقت و مالکیت موتورسیکلت شدید؟

م: اشتباه کردم الان پشیمانم (پیش‌فرض واقعیت‌پذیر).

عبارات زیرخطدار حاوی پیش‌فرض واقعیت‌پذیر و نشان‌دهنده این است که هر چه بازجو بیان می‌کند واقعیت دارد و گفته‌های سابق متهم پرونده اول کذب بوده است.

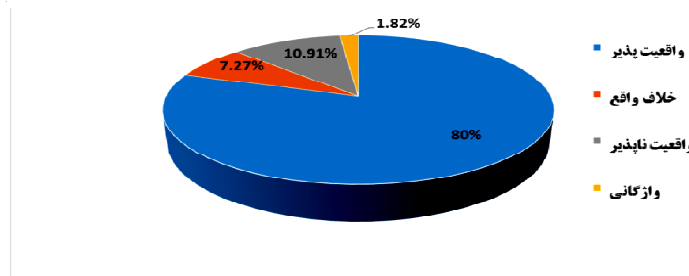
دفاع متهم در دادگاه: ... قصد ما کیف‌قاپی و دزدی نبود. اگر ما دزد بودیم، در محل حادثه صبر نمی‌کردیم تا مأمور برسد (متهم از پیش‌فرض خلاف واقع استفاده کرده است).

متهم در پرونده دوم، با استفاده از وجه شرطی «اگر»، که حاوی پیش‌فرض خلاف واقع است، سعی در کتمان حقیقت دارد. متهم از پیش‌فرض خلاف واقع به‌منظور اثبات حرف خود به‌عنوان یک حقیقت استفاده کرده است تا حقیقت بزرگ‌تر را کتمان کند.

ب: آیا در کنار این لپ‌تاپ وسایل دیگری را هم خریداری کرده‌اید؟

م: خاطر من نیست (به‌خاطر نداشتن حاکی از پیش‌فرض واقعیت‌ناپذیر است).

یعنی آنچه متهم در پرونده چهارم می‌گوید واقعیت ندارد یا به‌تعبیری دروغ و نشانه‌ای برای مجرم بودن متهم است.



شکل ۱. درصد به کارگیری پیش فرض‌ها در گفتار متهمان

Figure 1. Percentage of using presupposition at defendant's defenses

جدول و نمودار شماره (۱) نشان می‌دهد که متهمان پرونده‌های سرقت در دفاع از خود، به میزان ۸۰ درصد از پیش فرض واقعیت پذیر، ۷.۲۷ درصد از پیش فرض خلاف واقع، ۱۰.۹۱ درصد از پیش فرض واقعیت ناپذیر و ۱.۸۲ درصد از پیش فرض واژگانی استفاده می‌کنند. در مبحث پیش فرض‌ها در پرونده‌های سرقت، بیشتر از همه موارد می‌توان به دنبال پیش فرض‌های واقعیت پذیر به عنوان یکی از ویژگی‌های گفتاری سارقان بود. همان طور که جدول و نمودار شماره (۱) نشان می‌دهد، متهمان در گفتار خود، حدود ۸۰ درصد پیش فرض واقعیت پذیر دارند که نشان از پنهان کاری متهم دارد. نکته دیگر اینکه در پرونده‌های سرقت نمی‌توان به دنبال پیش فرض ساختاری و وجودی به عنوان ویژگی سبکی بود؛ چرا که تعداد این آمار صفر درصد است.

۲-۳-۴. به کارگیری وجهیت

در پیکره پژوهش، ۱۶۰ مورد وجهیت یافت شد. در میان ۱۶۰ مورد وجهیت، ۹۹ مورد آن‌ها با قطعیت بالا و ۶۱ مورد با قطعیت پایین هستند.

جدول ۲. میزان استفاده از وجهیت در گفتار متهمان

Table 2. The extent of using modality at defendant's defenses

وجهیت	تعداد	درصد
قطعیت بالا	۹۹	۶۱/۸۸
قطعیت پایین	۶۱	۳۸/۱۳

برای نمونه:

ب: اگر آن فرد به شما گفت که چوب‌ها و قالب‌ها را جابه‌جا کن، چرا اقدام به جمع‌آوری خاموت‌ها^{۴۹} کردی؟

م: چون زمانی که چوب‌ها را جمع کردم، فکر کردم که مالک میل‌گردها را نیاز ندارد و شروع به جمع کردن آن نمودم (قطعیت پایین).

متهم با به‌کارگیری فعل وجهی شناختی «فکر کردن»، که بیانگر عدم شناخت کامل و تردید است، سعی می‌کند در ذهن بازجو شک و تردید ایجاد کند و تا حدی از خود رفع اتهام نماید.

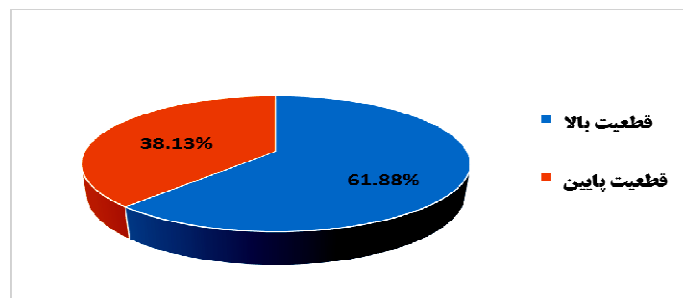
ب: آیا به‌غیر از این ۸ مورد، کیف‌قاپی دیگری هم انجام دادید؟

م: خیر، هیچ مورد ندارم، قسم می‌خورم راست گفته‌ام (هر دو قطعیت بالا).

متهم از عباراتی با قطعیت بالا برای جلب اعتماد و اطمینان بازجو استفاده می‌کند تا دروغ و جرم خود را مخفی نگه دارد.

دفاع متهم در جلسه بازپرسی: هیچ کدام (قطعیت بالا) از سرقت‌ها کار من نبوده و در اثر تهدیدات و فشارهای آگاهی مجبور به اعتراف شدم و روز یکشنبه هم با آن خانم برخورد کردیم و حتی خودمان هم به زمین خوردیم و اگر سارق بودیم، فرار می‌کردیم و صبر نمی‌کردیم (قطعیت پایین: وجه شرطی).

متهم از وجه شرطی «اگر» برای ایجاد شک و تردید استفاده می‌کند تا بتواند تا حدی از خود رفع اتهام نماید.



شکل ۲. درصد به‌کارگیری وجهیت در گفتار متهمان

Figure. 2. Percentage of using presupposition at defendant's defenses

جدول و نمودار شماره (۲) نشان می‌دهد که متهمان در دفاع از خود، به میزان ۶۱.۸۸ درصد عباراتی با قطعیت بالا و ۳۸.۱۳ درصد عباراتی با قطعیت پایین را به‌کار برده‌اند. نکته مهم اینکه متهمان به سرقت در اوایل بازجویی، از وجوه قطعیت بالا برای جلب اعتماد بازجو و رهایی خود استفاده می‌کنند. در پایان هم که به جرم اعتراف می‌کنند، با رعایت این اصل سعی در همکاری در مکالمه دارند.

۳-۳-۴. تناقض

متهمان پیکره پژوهش ۸۶ مورد تناقض در گفتار داشتند که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

ب: به همراهی چه کسانی به سمنان آمده بودید؟

م: بنده به اتفاق برادرم ... (متهم دوم) و ... (متهم سوم) که فامیلی وی را نمی‌دانم (متهم اول در پرونده سوم).

ب: همراهان خود را بیان کنید؟ با چه وسیله‌ای به سمت مشهد می‌خواستید بروید؟

م: بنده به همراه برادرم ... (متهم اول) و دیگر کسی همراه ما نبوده است. با خودروی پژو ۴۰۵ نوک‌مدادی به شماره پلاک ... رفته بودیم (متهم دوم در پرونده سوم).

ب: برادران اظهارات دیگری بیان داشته است. چه می‌گویید؟

م: بنده و برادرم بودیم و کس دیگری نبوده است (متهم دوم در پرونده سوم).

...

ب: برادران بیان داشته شخص دیگری نیز با شما بوده است. چه می‌گویید؟

م: بنده نمی‌دانم. چه بگویم شاید خواب بودم و مسافركشی کرده است (متهم دوم در پرونده سوم).

با توجه به سخنان دو متهم می‌بینیم که این دو در پاسخ به سؤالات بازجو، متفاوت سخن گفته‌اند و بین جملات آن‌ها رابطه تناقض برقرار است که در اینجا بازجو با استناد به تناقض سخنان آن‌ها به نتیجه می‌رسد؛ اما موارد زیادی هم از تناقض در سخنان یک متهم مشاهده شده است.

۴-۳-۴. حذف کنشگر

بررسی پرونده‌ها نشان می‌دهد که متهمان در گفتار خود، در ۷۶ مورد و به سه شیوه کنشگری را از خود حذف کرده‌اند:

الف. کنش را به فردی دیگری ارتباط می‌دهند.

ب. از خود سلب اختیار می‌کنند.

ج. کنش را به موجودی غیرجاندار ارتباط می‌دهند.

برای نمونه:

ب: در خصوص نحوه سرقت از ساختمان نیمه‌کاره آقای ... توضیح دهید.

م: من سرقت نکردم. یک نفر آمد گفت بیا این کار را انجام بده و من رفتم چوب‌ها را ریختم آن طرف ساختمان.

در اینجا می‌بینیم که متهم کنش اصلی را به شخص سومی ارجاع می‌دهد تا نشان دهد که قصد سرقت نداشته است و مجرم نیست.

ب: مدارک مکشوفه در ید^{۱۰} خود را از کجا و چگونه به دست آورده‌اید؟

م: مدرک‌ها را از سر راه خیرآباد پیدا کردم.

در این قسمت نیز متهم با اشاره به مکانی نامشخص و مبهم و به نوعی ارجاع به یک موجود غیرجاندار «سر راه خیرآباد» و همچنین استفاده از فعل غیرارادی «پیدا کردن» کنشگری را از خود دور می‌کند.

ب: اگر قصد سرقت نداشتید، چرا از کنار آن خانم عبور کردید؟

م: من خواستم آقای ... (متهم دوم) را خانه برسانم، از کنار هلال‌احمر رد شدم، ناگهان آن اتفاق افتاد.

بخشی از دفاع متهم در دادگاه: ... ما گول خوردیم ... مرا ... (افغانی) گول زد.

در عبارات زیرخطدار بالا نیز متهم سعی می‌کند از خود سلب اراده و اختیار کند و نقش خود را در جرم کاهش دهد.

۴-۳-۵. کنش‌های گفتاری

متهمان پیکره پژوهش ۷ مورد پاره‌گفتار نابجا و ۷ مورد کنش غیرمستقیم داشته‌اند که برای هر

کدام نمونه‌ای آمده است:

ب: قبل از دستگیری شما، آقای ... (متهم سوم) با شما تماس گرفته است؟ فامیلی وی چه می‌باشد؟

م: نمی‌دانم والا حتماً کار داشته است، فکر می‌کنم ... باشد و همسر دخترعمه‌ام می‌باشد (پاره‌گفتار نابجا).

عبارت زیرخطدار بالا حاکی از پاره‌گفتار نابجای متهم در پاسخ به سؤال بازجوست. متهم برای گریز از اتهام، از پاره‌گفتار بیانی نابجا و بی‌ربط استفاده می‌کند تا به‌زعم خود، افسر بازجوکننده را فریب دهد؛ به عبارت دیگر، تمام این پاره‌گفتارهای نابجا حاکی از جرم متهم است.

ب: تصویر ضبط‌شده در آیفون تصویری منزل شاکی به رؤیت شما می‌رسد. آیا تصویر متعلق به شما می‌باشد یا خیر؟

م: یه جورهایی شبیه من است و من سمنان نیامده‌ام و سرقت را انجام نداده‌ام (کنش غیرمستقیم).

متهم با استفاده از کنش غیرمستقیم، به جرم خود اعتراف می‌کند. وی با به‌کارگیری این کنش‌ها نشان می‌دهد که حقیقت همان‌چیزی است که بازجو می‌گوید و جرم خود را قبول دارد، اما با استفاده از کنش غیرمستقیم از پذیرش قطعی آن می‌گریزد.

۴-۳-۶. تلویح

به‌طور کلی متهمان ۶ مورد تلویح‌های متعارف داشتند، برای نمونه:

ب: محرک اصلی و انگیزه سرقت که بود؟

م: همه‌اش خریت من، گول حرف‌های ... (متهم دوم) را خوردم. نمی‌دانم چه طوری، اما گول خوردم.

متهم با استفاده از کلمه «اما»، که حاوی تضمن متعارف است، غیرمستقیم و تلویحی بیان می‌کند که مجرم است؛ اما به‌صورت مستقیم سعی می‌کند از جرم خود بکاهد و اراده را از خود سلب کند.

۷-۳-۴. ساخت میانه

به‌طور کلی در پیکره مورد بررسی، ۱ مورد ساخت میانه وجود دارد که به آن اشاره می‌شود. دفاعیات متهم سوم در بازپرسی مبنی بر دفاع از مشارکت با متهم اول و دوم در سرقت و تخریب منازل:

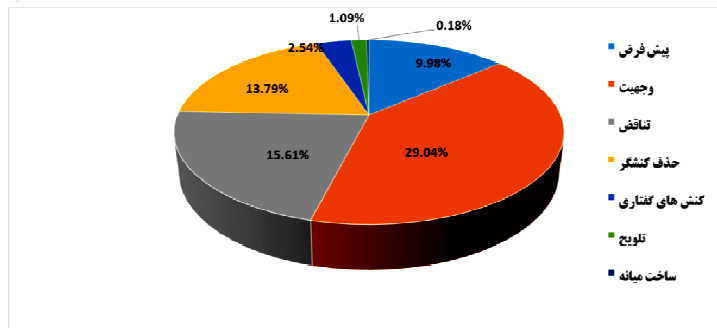
این‌جانب ... وقتی به تهران آمدم ... (متهم اول) و ... (متهم دوم) که پسر دایی خانم بودند به من گفتن می‌خوایم بریم سمنان یک چک نقد کنیم و فقط تو به‌عنوان راننده با ما بیا که یک میلیون بهت می‌دیم؛ بعد از برگشت و رسیدن به پلیس‌راه سرخه فهمیدم که قصه چیز دیگه است. وقتی از طرف آگاهی سمنان ... (متهم اول) و ... (متهم دوم) را گرفتن، مادرشان (مادر دو متهم) به من اطلاع داد و من سریعاً خود را به سمنان رساندم. آمدم خودم را معرفی کنم که ترسیدم و برگشتم ...

«ترسیدن» از افعالی با ساخت میانه است و عاملی دارد که درک می‌شود، اما بیان نمی‌شود. در این نمونه، متهم از عبارت «ترسیدم» استفاده می‌کند، یعنی ترس ایشان عاملی دارد که بیان نمی‌شود. نتیجه اینکه عاملی برای ترسیدن در گفته‌های متهم وجود ندارد و باید عامل ناگفته‌ای وجود داشته باشد که بیان نشده است.

جدول ۳. توزیع فراوانی ابزارهای زبان‌شناختی در گفتار متهمان پیکره پژوهش

Table 3. Frequency distribution of linguistic tools at defendant's defenses

ابزارها	تعداد	درصد
پیش‌فرض	۵۵	۹/۹۸
وجهیت	۱۶۰	۲۹/۰۴
تناقض	۸۶	۱۵/۶۱
حذف کنشگر	۷۶	۱۳/۷۹
کنش‌های گفتاری	۱۴	۲/۵۴
تلویح	۶	۱/۰۹
ساخت میانه	۱	۰/۱۸



شکل ۴. توزیع فراوانی ابزارهای زبان‌شناختی در گفتار متهمان پیکره پژوهش

Figure 3. Frequency distribution of linguistic tools at defendant's defenses

متهمان پیکره پژوهش در دفاع از خود، ابزارهای زبانی خاصی به کار می‌برند. این ابزارها در گفتار متهمان فراوانی‌های متفاوتی دارد که عبارت است از پیش فرض ۹.۹۸ درصد، وجهیت ۲۹.۰۴ درصد، تناقض ۱۵.۶۱ درصد، حذف کنشگر ۱۳.۷۹ درصد، کنش‌های گفتاری ۲.۵۴ درصد، تلویح ۱.۰۹ درصد و ساخت میانه ۰/۱۸ درصد.

۵. نتیجه‌گیری

کاربرد علم زبان‌شناسی در حوزه کشف جرم و به‌ویژه در حوزه فعالیت پلیس، از جدیدترین مباحث زبان‌شناسی است. زبان‌شناسی حقوقی شاخه‌ای جدید و میان‌رشته‌ای از زبان‌شناسی کاربردی و حقوق است که با استفاده از ابزارهای زبانی و شواهد زبان‌شناختی به تحلیل متون گفتاری و نوشتاری می‌پردازد و به پلیس و قضات در کشف جرم کمک می‌کند. نگارندگان در این پژوهش، به توصیف و تحلیل چهار پرونده سرقت در دادگستری سمنان پرداخته و ویژگی‌های گفتاری متهمان این چهار پرونده را بررسی نموده‌اند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که متهمان به سرقت در دفاع از خود، ۲۹ درصد وجهیت، ۱۶ درصد تناقض، ۱۴ درصد حذف کنشگر، ۱۰ درصد پیش‌فرض، ۳ درصد کنش‌های گفتاری، یک درصد تلویح و ۰/۵ درصد ساخت میانه را در گفتار خود به کار می‌گیرند. بررسی داده‌های پژوهش بیانگر آن است که متهمان به سرقت با به‌کارگیری بسیاری از اصول زبانی، از قبیل وجهیت بالا، حذف کنشگر،

پاره‌گفتار نابجا و کنش غیرمستقیم سعی می‌کنند اعتماد بازجوها را جلب نمایند و به‌نوعی از خود رفع اتهام کنند. همچنین نتایج حاکی از آن است که توجه به وجهیت پایین، تناقض در گفتار، حذف کنشگر، پیش‌فرض، تلویح و ساخت میانه در گفتار متهمان می‌تواند در کشف جرم به بازجوها و قضات کمک شایانی کند. بنابراین می‌توان گفت که توجه به برخی ظرافت‌های زبانی و نیز مطالعه دستاوردهای حوزه زبان‌شناسی حقوقی، در رفع ابهام از پرونده‌های قضایی راهگشا خواهد بود.

۶. پی‌نوشت‌ها

1. forensic linguistics
2. Ng. Sick Hung & J. Broadax
3. R. Shy
4. G. Brown & G. Yule
5. presupposition
6. factive presupposition
7. non factive presupposition
8. lexical presupposition
9. counter factual presupposition
10. Verdonk
11. modality
12. Fowler
13. M. A. K., Halliday
14. contradiction
15. Van Leeuwen, T.
16. social actors
17. participants
18. exclusion
19. inclusion
20. activism deletion
21. back grounding suppresion
22. radical exclusion
23. Austin
24. speech acts
25. locutionary act
26. illocutionary act
27. perlocutionary act
28. infelicitous utterance

29. Searle
30. performative utterance
31. constative utterance
32. felicitous utterance
33. implicature
34. conversational implicature
35. H. P. Grice
36. scalar implicatures
37. scale of values
38. conventional implicatures
39. middle voice
40. B. Levin
41. middle voice construction
42. L. Haegeman
43. neuter intransitive verbs
44. bodily activity and emotion verbs
45. reflexive verbs
46. auto benefactive verbs

۴۷. کسی که در محیط نیروی انتظامی از متهم بازجویی می‌کند.

۴۸. کسی که در محیط دادسرا از متهم بازجویی می‌کند.

۴۹. میل‌گرد، آرماتور.

۵۰. دست.

51. crime
52. larceny
53. thievery/ theft/ larceny
54. Toolan
55. interrogation
56. accused

۷. منابع

- آقاگل‌زاده، فردوس (۱۳۸۴). «زبان‌شناسی قضایی (حقوقی): رویکردی نوین در زبان‌شناسی کاربردی». *مجموعه مقاله‌های نخستین همایش انجمن زبان‌شناسی ایران*. تهران: دانشگاه علامه طباطبائی. صص ۲۱۵-۲۲۵.
- _____ (۱۳۹۱). *زبان‌شناسی حقوقی (نظری و کاربردی)*. تهران: علم.
- بدخشان، ابراهیم، مسعود دهقان و فرشاد دهقان (۱۳۹۴). «تحلیل کاربردشناختی نظریه»

کنش‌های گفتاری آستین و سرل در متن بازپرسی». *مجموعه مقالات دومین همایش ملی زبان‌شناسی حقوقی: تحلیل گفتمان حقوقی*. تهران: نویسه پارسی.

- بیابانی، غلامحسین و کمال هادیان‌فر (۱۳۸۴). *فرهنگ توصیفی علوم جنایی*. تهران: تأویل.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۶۷). *ترمینولوژی حقوق*. تهران: گنج دانش.
- زائری، عظیمه، فردوس آقاگل‌زاده و حیات عامری (۱۳۹۶). «توصیف و تحلیل شیوه‌های زبانی و فرازبانی وکلا جهت اقتناع در دادگاه‌های علنی ایران: تحلیل گفتمان دادگاه کیفری (زبان‌شناسی حقوقی)». *جستارهای زبانی*، د ۸، ش ۵ (پیاپی ۴۰)، آذر و دی، صص ۱۳۹-۱۵۸.
- صفی، نفیسه (۱۳۸۶). «ویژگی‌های کلامی جدل‌های میان زنان و مردان در دادگاه خانواده شهر تهران». پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی. تهران: دانشگاه پیام نور.
- عزیزی، سیروس و نگار مؤمنی (۱۳۹۱). *زبان‌شناسی حقوقی: درآمدی بر زبان، جرم و قانون*. تهران: جهاد دانشگاهی.
- مؤمنی، نگار (۱۳۹۱). «تحلیل جرم زبانی دروغ در نظام قضایی از منظر زبان‌شناسی حقوقی (مطالعه موردی در محاکم قضایی تهران)». *زبان‌پژوهی دانشگاه الزهرا*. س ۴، ش ۷، صص ۲۳۹-۲۶۵.
- میرمحمد صادقی، حسین (۱۳۹۴). *حقوق کیفری اختصاصی ۲ (جرائم علیه اموال و مالکیت)*. تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- یول، جورج (۱۹۹۶). *کاربردشناسی زبان*، ترجمه محمد عموزاده مهدیرجی و منوچهر توانگر. چ ۵. تهران: سمت.

References:

- Aghagolzadeh, F. (2005). "Forensic Linguistics: A New Approach to Applied Linguistics". *Collection of Articles at the First Conference of the Iranian Linguistics Society*. Tehran: Allameh Tabatabai University Press. Pp. 215-225. [In Persian].
- ----- (2012). *Forensic Linguistics (Theoretical and Applied)*. Second Edition, Tehran: Elm. [In Persian].

- Austin, J. L. (1975). *How to Do Things with Words*. Cambridge: Harvard University Press.
- Azizi, S. & N. Momeni (2012). *Forensic Linguistics: Introduction to Language, Crime and Law*. Tehran: Jahad University Press.
- Badakhshan, I.; M. Dehghan & F. Dehghan (2015). "The pragmatic analysis of Austin and Searle speech acts in interrogation". *Collection of articles at the Second National Conference on forensic Linguistics: Analysis of Legal Discourse (by Ferdows Aghagolzadeh)*. Tehran: Persian Language Publishing [In Persian].
- Biabani, Gh.H. & S. K. Hadian Far (2005), *Descriptive Dictionary of Criminal Sciences*, Tehran: Taavil. [In Persian].
- Brown, G. & G. Yule (1983), *Discourse Analysis*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Coulthard, R. M. & A. Johnson (2007), *An Introduction to Forensic Linguistics: Language in Evidence*. London & New York: Rutledge.
- Fowler, R. (1996). *Linguistic Criticism*. New York: Oxford University Press.
- Grice, H. P. (1975). *Logic and conversation*. P. Cole & J. Morgan (Eds). New York: Academic Press.
- Haegeman, L. (1994). *Introduction to Government and Binding Theory*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Halliday, M. A. K. (1994). *An Introduction to Functional Grammar*. 2nd ed. New York: Edward Arnold.
- Hung, Ng. Sick & J. Broadax (1993), *Power in Language*. Verbal Communication and Social Influence. Sage Publication.
- Hurford, J. R.; B. Heasley & M. B. Smith (2007). *Semantics: A course book*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Ja'fari Langroudi, M.J. (1988). *Terminology of Law*. Tehran: Ganj Danesh

Library. [In Persian].

- Levin, B. (1993). *English Verb Classes and Alternations*. Chicago: University of Chicago Press.
- Mir Mohammad Sadeghi, H. (2015). *Proprietary Criminal Law 2: Crimes Against Property and Property*, Tehran: Publications of the Legal Foundation, Issue 45, Summer 94. Pp. 245-396. [In Persian].
- Momeni, N. (2012). "Linguistic analysis of" lies in the judicial system "from the forensic linguistics perspective (case study in Tehran's judiciary). *Linguistic Studies, University of Al-Zahra*. Pp. 23-29.
- Safi, N. (2007). *Verbal Features of the Controversy between Men and Women in the Family Court of Tehran*. M.A thesis of Linguistics. Payame Noor University. [In Persian].
- Saied, J. I. (2003). *Semantics*. USA: Blackwell Publishing.
- Searle, J.R. (1969). *Speech Acts: An Essay in the Philosophy of Language*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Shy, R. W. (2014). *The Language of Murder Cases*. Oxford University Press.
- Simpson, p. (1997). *Language through Literature*. London: Routledge.
- Toolan, M. (2009). *Forensic Linguistics*. London: Rutledge, PP 1-15.
- Van Leeuwen, T. (2008). *Discourse and Practice, New Tools for Critical Discourse Analysis*. Oxford: Oxford University Press.
- Verdonk, P. (2002). *Stylistics*. Oxford: Oxford University Press.
- Yule, G. (1996). *Pragmatics. (2nd. Ed)*. Oxford: Oxford University Press.
- ----- (2000). *Discourse Analysis*. New York: Cambridge University Press.
- Zaeri, A.; F. Aghagolzadeh & H. Ameri (2016), "Describing and analyzing the linguistic and procedural methods of lawyers for persuasion in Iran's public trials: discourse analysis of the criminal court (forensic Linguistics)". *Language*

Related Research.. Tehran: Tarbiat Modares University. October 2016
(Forthcoming). [In Persian].

۸. پیوست

تعریف چند اصطلاح حقوقی

جرم: پیرداد (۱۳۷۶: ۵) جرم^{۵۱} را این گونه بیان می‌کند: حقوق جزا مربوط به رفتاری است که دولت آن را مستوجب مجازات می‌داند. در حالی که حقوق مدنی مربوط به حقوق خصوصی است. یک جرم ممکن است به‌عنوان یک خطای عمومی تلقی گردد، لیکن هر عملی که مضر به حال عموم هستند که اعمال آیین دادرسی کیفری نسبت به آن‌ها توجیه گردد. جرم خطایی قانونی است که ممکن است تعقیب جزایی را به دنبال داشته باشد و منجر به مجازات شود. سرقت: در ماده ۱۹۷ قانون مجازات اسلامی، سرقت^{۵۲} عبارت است از ربودن مال غیر به‌طور پنهانی. مشاهیر فقهای اسلامی نیز سرقت را چنین تعریف کرده‌اند: سرقت یا دزدی^{۵۳} آن است که شخص بالغ و عاقلی مال متعلق به دیگری را که در جایی محفوظ نگهداری می‌شود، به‌طور مخفی و بدون اطلاع صاحبش ببرد. برای تحقق سرقت عناصری از قبیل ربودن مال دیگری، منقول بودن مال و تعلق مال به غیر ضروری است. باید اشاره کرد که پایه اصلی سرقت در عنصر خاص، ربودن مال دیگران بدون اجازه و رضایت صاحب اصلی آن است. موضوع سرقت اساساً شامل مالی است که قابلیت تملک و ربودن را داشته باشد (میرمحمد، ۱۳۹۴: ۲۴۵-۳۹۶).

بازجویی: به‌گفته تولان^{۵۴} (۲۰۰۹: ۲۳)، بازجویی^{۵۵} پلیس از مواردی است که نیازمند علم زبان‌شناسی است. بیابانی و هادیانفر (۱۳۸۴: ۵۹۹) بازجویی را قدرت جمع‌آوری و اخذ اطلاعات صحیح و قابل‌اعتماد از راه سؤال کردن و قدرت ارزیابی اطلاعات کسب‌شده، جدا کردن و تشخیص حقیقت از دروغ می‌دانند.

متهم: متهم^{۵۶} کسی که فاعل جرم تلقی شده، ولی هنوز انتساب جرم به او محرز نشده است (جعفری، ۱۳۶۷: ۱۲۷).